

جری جوان

اثر: جین وبستر

ترجمه: سوسن اردکانی (شاهین)

سرشناسه : ویستر، جین، ۱۹۱۶-۱۸۷۶م.

Webster, Jean

عنوان و نام پدیدآور : جری جوان / اثر جین ویستر؛ ترجمه سوسن اردکانی.

مشخصات نشر : تهران: مهتاب، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.

شابک : 978-964-6162-52-5

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: Jerry junior C1907.

یادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع : داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده : اردکانی، سوسن (شاهین)، ۱۳۳۳ -، مترجم

رده بندی کنگره : PS۳۵۱/ب ج ۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۸۱۳/۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۵۸۲۲۲

جرى جوان

نویسنده : جین ویستر

مترجم: سوسن اردکانی

ناشر: مهتاب - ابر سفید

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۹۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۶۲-۵۲-۵

مرکز پخش: پخش گلستان، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان وحید نظری، پلاک ۸۵

تلفن: ۶۶۴۹۱۷۴۷-۶۶۴۹۰۶۱۶ فاکس: ۶۶۴۸۷۲۱۹

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

جین وبستر^۱ (نام اصلی اش «آلیس جین چندلر وبستر»^۲) نویسنده مشهور آمریکایی در ۲۴ ژوئیه سال ۱۸۷۶ میلادی در «فردونیا»^۳ ای «نیویورک»^۴ دیده به جهان گشود و در ۱۱ ژوئن سال ۱۹۱۶ در آستانه ۴۱ سالگی چشم بر دنیا فرو بست.

وی دوره کودکی اش را در کنار مادرِ مادر بزرگش، مادر بزرگش و مادرش (همگی با هم در زیر یک سقف زندگی می کردند) در خانه ای گذراند که زنان در آن از ارج و عزت بسیار برخوردار بودند و همگی پر جنب و جوش و پرتکاپو در صحنه زندگی اجتماعی نقش فعالی داشتند. مادرِ مادر بزرگش برای تصویب قانون منع مصرف مشروبات الکلی فعالیت می کرد و موضوع مورد علاقه مادر بزرگش برابری نژادی و حق رأی زنان بود. مادرش «آنی هافت وبستر»^۵ خواهرزاده «مارک تواین» نویسنده مشهور موفق آمریکایی و پدرش چارلز لوتر وبستر^۶ مدیر و کارگزار امور «مارک تواین» بعدها ناشر بسیاری از آثار او از طریق مؤسسه انتشاراتی خود که در سال ۱۸۸۴ به نام انتشارات «چارلز - ل. - وبستر» تأسیس کرده بود.

در سال های کودکی جین وبستر کسب و کار پدرش رونق خوبی داشت و او پنج ساله بود که خانواده اش به خانه بزرگی در شهر «نیویورک» نقل مکان کردند و

1. Jean webster

2. Alice Jane chandler webster

3. Fredonia

4. New York

5. Mark Twain ()

6. Charles luther Webster

یک ویلای تابستانی هم در «لانگ ایسلند»^۱ خریدند. اما چندی بعد در پی بروز مشکلاتی در کار، میانه پدرش با «مارک تواین» شکر آب شد و روز به روز روابطشان تیره تر گشت. در سال ۱۸۸۸ پدرش سلامت روحی و جسمی خود را از دست داد و کار را چندی کنار گذاشت و همراه خانواده اش به «فردونیا» برگشت و عاقبت در سال ۱۸۹۱ خودکشی کرد.

جین وبستر به مدرسه «نرمال فردونیا»^۲ رفت و در سال ۱۸۹۴ در رشته نقاشی چینی فارغ التحصیل شد. همان سال به مدرسه شبانه روزی «لیدی جین گری»^۳ در «بینگامتون» وارد شد. در مدت تحصیل جین در آن جا این مدرسه علاوه بر دروس دانشگاهی موسیقی، هنر، نامه نگاری، فن بیان و آداب معاشرت را به دختر جوان آموزش می داد. بسیاری از جزئیات مدرسه رمان تنها پتی^۴ (۱۹۱۱) از مدرسه «لیدی جین گری» الهام گرفته، از جمله: نمای مدرسه، اسامی اتاق ها (اتاق نشیمن آسمان کوچه بهشت)، روپوش دختران و برنامه روزانه دختران و معلمان.

از هنگام تحصیل در همان مدرسه بود که جین که تا آن زمان «آلیس» نامیده شد، اسم جین را روی خود گذاشت. زیرا دختری به نام «آلیس» هم اتاقش بود و مدرسه از جین خواست که در صورت امکان از اسم دیگری استفاده کند و او هم اسم جین^۵ را که صورت دیگری از اسم وسطش «جین»^۶ کرد.

جین وبستر در ژوئن ۱۸۹۶ بعد از اتمام مدرسه «لیدی جین گری» برای مدت یک سال به بخش کالج مدرسه «نرمال فردونیا» برگشت.

جین در سال ۱۸۹۷ به عنوان عضو کلاس ۱۹۰۱ به دانشکده دخترانه «واسار»^۷ رفت. رشته اصلی اش زبان انگلیسی و اقتصاد بود. اما دروس مددکاری اجتماعی

1. Long Island

2. Fredonia Normal

3. Lady Jane Grey school

4. Just Patty

5. Jean

6. Jane

7. Vassar Female college

و اصلاح کیفری را هم گرفت و از همان جا بود که ضمن بازدید از مؤسسات نگهداری کودکان بزهکار و فقیر به حل و فصل مسائل اجتماعی و بهبود وضع کودکان و نوجوانان معلول و محروم علاقه پیدا کرد و این علاقه انسانی را تا آخرین روز زندگی خود حفظ کرد و پیوسته در این زمینه فعال بود. او عضو انجمن مددکاری دانشکده شد که به اهالی محله‌های فقیرتر «نیویورک» خدمت می‌کرد. حساسیت جین نسبت به مسائلی که در اطراف خود می‌دید، سرانجام او را به سوی نویسندگی هدایت کرد و او که همیشه از نثر ساده و دلنشین نویسنده محبوبش «مارک تواین» لذت می‌برد، خودش هم وقتی قلم به دست گرفت، همین شیوه نگارش را برگزید تا پیام‌های خود را به ساده‌ترین زبان به مخاطبان برساند.

جین برای «جنگ (گلچین ادبی) واسار» قصه می‌نوشت و به عنوان کار عملی درس زبان انگلیسی خود در سال دوم دانشکده، قصه‌های خود و خبرهای «واسار» را در یک ستون هفتگی در نشریه «یاگ کیپسی ساندی کوریر»^۱ به چاپ می‌رساند. در «وبستر» آمده که «جین» بلاوجود چیره‌دستی‌اش در ادبیات انگلیسی املائی عجیب و غریبی داشت و یک بار که استادی از غلط‌های املائی او وحشت کرده بود، از او پرسید که مرجعش برای املائی این کلمه‌ها به این صورت غلط چیست و او پاسخ داد: «وبستر» (بازی با اسم دیکشنری معتبری همانام خودش).

جین وبستر در دوره تحصیل در دانشکده با «آدلاید کرپسی»^۲ (بعد شاعر) دوستی صمیمانه‌ای پیدا کرد و این دوستی تا پایان عمر «آدلاید» که در اکتبر ۱۹۱۴ بر اثر بیماری سل درگذشت، ادامه یافت. جین با «آدلاید» در زمینه‌های نویسندگی تئاتر و حتی امور سیاسی کارهای مشترک فراوانی انجام داد یا وجود

1. Pough keepsie sunday Courier

2. Adeleide crapsey

این که در آن زمان زنان در آمریکا حق رأی نداشتند، جین و «آدلاید» در هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۰۰ آمریکا در طرفداری از «اوینگن.و.دبس»^۱ نامزد سوسیالیست فعالیت زیادی کردند.

جین در سال سوم دانشکده با دو تن از همکلاس‌های خود در سفری به اروپا مدتی را در فرانسه و انگلستان گذراند. اما مقصد اصلی‌اش ایتالیا و دیدار از «رم»^۲، «ناپل»^۳، «ونیز»^۴ و «فلورانس»^۵ بود. در این سفر با دو دختر آمریکایی به نام‌های «الین مک کینی»^۶ و «لناوینستین»^۷ آشنا و دوست شد که این دوست صمیمانه را تا پایان عمر حفظ کرد.

جین در ایتالیا برای پایان نامه‌ی لیسانس خود که عنوانش «فقر در ایتالیا» بود، پژوهش‌هایی انجام داد و بعداً گزارش سفرش را در نشریه‌ی «ساندی کوریر» به چاپ رساند. داستان کوتاه «ویلاجیانینی»^۸ هم ثمره‌ی همین سفرش بود که در «جنگ و آسار» چاپ شد (۱۹۰۱). در سال آخر تحصیل خود در «واسار» سردبیر کتاب سال کلاس خود شد و سرانجام در ژوئن ۱۹۰۱ تحصیل دانشگاهی‌اش به پایان رسید.

جین وبستر در بازگشت به «فردونیا» با استفاده از تجربه‌های خود در دانشکده «واسار»، کتاب وقتی پتی به دانشکده می‌رفت را نوشت که نگاه شاد و طنزآمیز به زندگی دختران دانشجوی زمانه خودش است. در ابتدا در پیدا کردن ناشری برای چاپ کتابش با مشکلاتی روبه‌رو شد. اما سرانجام کتابش در ماه مارس سال ۱۹۰۳ انتشار یافت و مورد توجه قرار گرفت و نقدهای مثبتی درباره‌ی آن نوشته شد. سپس جین مشغول نوشتن قصه‌های کوتاهی شد که سرانجام کتاب

1. Eugene V. Debs

2. Rome

3. Naples

4. Venice

5. Floren

6. Ethelyn McKinney

7. Lenaweinstein

8. Villa Gianini

هیاهوی بسیار دربارهٔ پیت^۱ (۱۹۰۹) را به شکل یک رمان تشکیل دادند. جین وبستر در زمستان ۴-۱۹۰۳ همراه مادرش به ایتالیا سفر کرد و شش هفته را در صومعه‌ای در «پلیزینا»^۲ گذراند و همان جا بود که با شاخ و برگ دادن به قصه ویلای جیانینی کتاب ویت پرنسس^۳ (۱۹۰۵) را آماده کرد.

جین وبستر در سال‌های بعد باز هم به ایتالیا سفر کرد و یک بار همراه دو دوستش «اتلین» و «لنا» و دو نفر دیگر به سفری هشت ماهه به دور دنیا رفت و مصر و هند و برمه و سری لانکا و اندونزی و هنگ کنگ و چین و ژاپن را دید. در این سال‌ها کتاب‌های جری جوان (۱۹۰۷) و راز چهار استخر (۱۹۰۸) هم از او انتشار یافت.

در این میان بین جین و برادر «اتلین» به نام «گلن فورد مک کینی»^۴ دوستی و صمیمیتی پدید آمد که روز به روز عمیق‌تر شد و این دو محرمانه تصمیم گرفتند که روزی با هم ازدواج کنند. «گلن فورد مک کینی» که پیوسته می‌کوشید مطابق میل و انتظارات پدر موفق و ثروتمند خود زندگی کند، در رشته حقوق تحصیل کرده بود. اما در زندگی خصوصی خود شکلی داشت که به صورت یک موضوع فرعی در کتاب دشمن عزیز^۵ (۱۹۱۵) هم منعکس شده و آن ازدواج ناموفق و رنج‌آورش با «آنت ری ناد»^۶ بود که تعادل روانی نداشت و اغلب به خاطر بیماری دو قطبی (روان‌شیدایی - روان‌افسردگی) در بیمارستان روانی بستری می‌شد. «گلن فورد» و «آنت» فرزندی به نام «جار» داشتند که در او هم نشانه‌هایی از عدم تعادل روانی مشاهده می‌شد.

واکنش «گلن فورد» در مقابل استرس‌ها و فشارهای روحی زندگی زناشویی‌اش اغلب به شکل گریز از خانه و رفتن به شکار و یا سفر با قایق تفریحی و

1. Much Ado about peter.

2. Palestrina

3. Wheat Princess

4. Glenn ford MC kinney

5. Dear Enemy

6. Annette Reynaud

یا پناه بردن به مشروب بروز می‌یافت که در نتیجه، این آخری پای او را هم به آسایشگاه باز کرد. او در سال ۱۹۰۹ زندگیش را از «آنت» جدا کرد. اما در آن روزگار طلاق امری غیر عادی و نامتعارف در جامعه به شمار می‌رفت و مراحل قانونی آن دشوار و طولانی بود. به همین دلیل جریان طلاق «گلن» و «آنت» تا سال ۱۹۱۵ طول کشید. «گلن فور» بعد از جدا کردن زندگیش از «آنت» (۱۹۰۹) به مبارزه با گرایش خود به سوی الکلی ادامه داد. اما زمانی بر اعتیاد خود کاملاً غلبه کرد که همراه خواهرش «اتلین» و دوستانش «لنا» و جین به ایرلند سفر کرد. (۱۹۱۲)

در تمام این سال‌ها جین وبستر همچنان به همه کارهای اجتماعی و فرهنگی خود ادامه می‌داد. او عضو انجمن‌های خیریه ایالتی بود و به بازدید از یتیم‌خانه‌ها می‌رفت و برای کودکان وابسته اعانه جمع می‌کرد و به خصوص علاقه داشت سر و سامان درستی به امر واگذاری کودکان بی‌سرپرست به خانواده‌ها دهد. او این علاقه‌های انسانی و ارزشمند را در آثار خود هم منعکس می‌کرد. قلم موشکافش به مسائل واقعی انسان‌ها می‌پرداخت؛ مسائلی که می‌توانند به روح انسان لطمه بزنند و او را از آرامش و سعادت بی‌نصیب سازند. جین وبستر برای بشریت احترامی والا قائل بود. تعالی اندیشه‌ها و احساسات بشر و سلامت نفس ارزش برگزیده او بود. بچه‌ها را دوست داشت و دلش برای آینده بچه‌هایی که هرگز دست نوازش بر سر خود حس نکرده‌اند، با نگرانی می‌تپید.

جین تمام اندیشه‌ها، ترس‌ها و امیدهای خود را در نوشته‌هایش آشکار می‌ساخت. قهرمانان قصه‌های وی از بین اطرافیان انتخاب می‌شدند. او تردیدهای خود نسبت به معیارهای سطحی جامعه را از زبان آنان بیان می‌کرد، با بیم‌ها و امیدهایشان می‌زیست و در سرگشتگی فکری‌شان همراه بود.

تا آن زمان وقتی پتی به دانشکده می‌رفت، ویت پرنسس، جری جوان، راز چهار استخر، هیاهوی بسیار دربارهٔ پیترو تنها پتی به قلم او منتشر و هر یک

چند بار تجدید چاپ شده بود. اما او هنوز کتابی را که قلباً خواهانش بود، ننوشته بود و گویی سال‌ها تجربه در کار نویسندگی و سیر و سیاحت در سرزمین‌های این سو و آن سوی دنیا تنها می‌توانست زمینه‌ای مساعد باشد تا او برای آفرینش شاهکاری ماندنی دست به قلم ببرد و شاه بیت کلام خود را بسراید.

و بدینسان بود که جین وبستر در کتاب فراموش نشدنی بابالنگ‌دراز^۱ (۱۹۱۲) حسرت‌ها و آرزوهای بی‌پیرایه یک دختر یتیم را با بیان شیوای خود چنان زنده مجسم ساخت که غوغایی در بین اندیشمندان به راه انداخت و همه دل‌هایی را که به خاطر انسان‌ها می‌تپید، به لرزه افکند.

جین رمان بابالنگ‌دراز را در یک خانه روستایی در «تایر ینگام»^۲ «ماساچوست»^۳ نوشت. این رمان بسیار مشهور و پرفروش که ابتدا به صورت داستان پی در پی از مجله «لیدیز هوم ژورنال»^۴ به چاپ رسید، سرگذشت دختری به نام «جروشا آبت»^۵ است. یتیمی در یک یتیم‌خانه که یک مرد خیرخواه ناشناس هزینه تحصیل او را در یک دانشکده دخترانه به گردن می‌گیرد. این رمان به صورت نامه‌هایی است که «جودی»^۶ که حالا زندگی تازه‌ای را شروع کرده، از دانشکده برای حامی خیرخواه می‌نویسد بابالنگ‌دراز از همان آغاز انتشار مورد استقبال و تحسین عموم مخاطبان و منتقدان قرار گرفت.

جین وبستر در سال ۱۹۱۳ نمایشنامه بابالنگ‌دراز را هم آماده کرد و در سال ۱۹۱۴ چند ماه را برای اجرای آن در شهرهای مختلف گذراند و نقش «جودی آبت» را هم به بازیگر جوانی به نام «روت چاترتون»^۷ سپرد. این نمایشنامه در «آتلانتیک سیتی»^۸ «واشنگتن»^۹ «سیراکوز»^{۱۰} «روچستر»^{۱۱} «ایندیاناپلیس»^{۱۲} و

1. Daddy Loge legs

2. Tyringham

3. Massachussetts

4. Ladies Home Journal

5. Jerusha Abbott

6. Judy

7. Ruth chatterton

8. Atlantic city

9. Washington

«شیکاگو» به طور آزمایشی روی صحنه رفت و عاقبت در تئاتر مجلل «برادوی»^{۱۲} در سپتامبر ۱۹۱۴ افتتاح شد و به مدت هشت ماه تا ماه مه سال ۱۹۱۵ روی صحنه بود و بعد در سراسر آمریکا در شهرهای متعدد به نمایش درآمد.

این کتاب و این نمایش کانون تلاش‌هایی برای اصلاح اجتماعی و نیکوکاری در جامعه شد و عروسک‌های «بابالنگ‌دراز» به منظور جمع‌آوری پول و تأمین بودجه برای واگذاری کودکان یتیم به خانواده‌ها فروخته شد. کتاب بابالنگ‌دراز به چند زبان ترجمه شد و در همه جا مورد استقبال قرار گرفت و شهرت و محبوبیتی جهانی برای نویسنده پراحساس خود به ارمغان آورد.

اما آن چه در قلب جین می‌جوشید و اندیشه او را به خود مشغول می‌داشت، هرگز اجازه نمی‌داد که او کار نویسندگی خود را تمام شده بینگارد. از این رو پس از انتشار بابالنگ‌دراز شاهکار دیگرش دشمن عزیز را نوشت که در عین استقلال داستان به نوعی دنبال منطقی بابالنگ‌دراز و مثل همان رمان به شکل نامه‌نگاری است و به ماجراهای دوست دوره دانشکده «جودی آبوت» می‌پردازد که حالا سرپرستی یتیمخانه‌ای را بر عهده گرفته که «جودی» در آن بزرگ شده. دشمن عزیز هم مثل بابالنگ‌دراز با استقبال گرم و تمجید منتقدان روبه‌رو شد و جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفت. جین وبستر در این رمان شیرین که با همان طنز لطیف و همیشگی او طراوت و شادابی به روح خواننده می‌بخشد، مسائلی را مطرح می‌کند که در آن زمان، موضوع داغ روز بود، از جمله مسئله توجه به خصوصیات وراثتی در هنگام ازدواج و انتخاب همسر تا از تولد فرزندان معلول ذهنی جلوگیری شود؛ به خصوص که در آن زمان کتاب «ریچارد ل. داگ یل»^{۱۴} درباره خانواده «یوکی»^{۱۵} (۱۸۷۷) و مطالعات «هنری گودارد»^{۱۶} بر روی

10. Syracuse

11. Rochester

12. Indianana Polis

13. Broadway

14. Richard L. Dugdale

15. Juke

16. Henry Goddard

خانواده «کالیکاک»^۱ (۱۹۱۲) خواننده فراوان داشت و جین در دشمن عزیز خلاصه‌ای از این کتاب‌ها با دید مثبتی اشاره می‌کند.

انتشار کتاب دشمن عزیز تقریباً همزمان با ازدواج جین وبستر و گلن فورد مک کینی بود. طلاق «گلن فورد» و «آنت» عاقبت در ژوئن ۱۹۱۵ به طور رسمی انجام پذیرفت و بعد جین و «گلن فورد» طی مراسم ساده و بی سروصدایی در سپتامبر ۱۹۱۵ در «کانکتیکات»^۲ «واشنگتن» با هم ازدواج کردند و ماه عسل را در اردوگاه «مک کینی» نزدیک شهر «کبک»^۳ در کانادا گذراندند. جالب آن که «تئودور روزولت»^۴ (رئیس جمهور پیشین آمریکا از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹) به دیدارشان رفت. او که خودش خودش را دعوت کرده بود، گفت: «من همیشه آرزو داشتم جین وبستر را از نزدیک ببینم. ما می‌توانیم یک پارتیشن در کلبه قرار دهیم.»

عروس و داماد پس از بازگشت از آمریکا دو اقامتگاه داشتند. یکی آپارتمان جین مشرف بر پارک مرکزی «نیویورک» و دومی مزرعه «تایمور»^۵ مک کین. در «داجس کانتی»^۶ «نیویورک». چندی بعد جین وبستر حامله شد. اما بر مبنای سوابق خانوادگی‌اش به او هشدار دادند که ممکن است حاملگی برایش خطرناک باشد جین تا مدتی گرفتار تهوع شدید صبحگاهی بود. اما از فوریه ۱۹۱۶ حالش قدری بهتر شد و توانست بسیاری از فعالیت‌های خود را از جمله: شرکت در مهمانی‌ها و دیدار از زندانیان و شرکت در جلساتی برای اصلاح وضع یتیمان و یا راه پیمایی‌هایی برای حمایت از حق رأی زنان از سر گیرد. او همچنین نوشتن یک کتاب و یک نمایشنامه را آغاز کرد. دوستانش گفته‌اند که هرگز او را تا آن حد شاد و سر حال ندیده بودند.

1. Kalikak

2. Connecticut

3. Quebec city

4. Theodore Roosevelt (1858-1919)

5. Tymer

6. Dutchess county

جین وبستر بعد از ظهر روز دهم ژوئن ۱۹۱۶ برای به دنیا آوردن فرزندش به بیمارستان رفت. شوهرش را هم که برای شرکت در بیست و پنجمین گردهمایی فارغ‌التحصیلان دانشگاه «پرینستون»^۱ رفته بود، خبر کردند و او خود را نوزده دقیقه قبل از تولد دخترش در ساعت ده و نیم شب به بیمارستان رساند. ابتدا همه چیز خوب بود. اما بعد حال جین بد شد و بر اثر تب زایمان در ساعت هفت و نیم صبح روز یازدهم ژوئن ۱۹۱۶ درگذشت. و به این ترتیب، این مادر دلسوز و مهربان هرگز نتوانست آن همه محبتی را که در دلش برای همه کودکان می‌جوشید، نثار تنها فرزند خود کند. اسم دخترش را هم «جین» گذاشتند (جین کوچولو)^۲

جین وبستر نه فقط در کتاب‌های بابالنگ‌دراز و دشمن عزیز بلکه در تمام داستان‌های خود پیام‌هایی سرشار از عطوفت و انسان دوستی به خواننده می‌دهد و پیام‌های او چون سخنی است که از دل برآمده، به لطافت بر دل می‌نشیند. جری جوان نیز یکی از داستان‌های دلکش و زیبای جین وبستر است که نویسنده موضوع آن را از زندگی در ایتالیا الهام گرفته است. ایتالیا سرزمین رؤیاهای شیرین جوانی جین است و به قول خودش در کتاب وقتی پتی به دانشکده می‌رفت: «اگر یک بار به ایتالیا سفر کنید، هرگز خاطره آن را فراموش نخواهید کرد.»

جری جوان خواننده را به یاد روزهای پرخطر جوانی به سرزمین رؤیاهای خوش می‌برد. با این حال این کتاب هم مثل سایر آثار جین وبستر هم از طنزی ظریف و دلنشین و هم از پیام‌های پراحساس نویسنده غنا گرفته و مجال تأثیر بیش‌تری یافته است.

آثار جین وبستر به ترتیب تاریخ انتشار آن‌ها به قرار زیر است:

۱- وقتی پتی به دانشکده می‌رفت (۱۹۰۳ م)

۲- ویت پرنسس (۱۹۰۵)

۳- جری جوان (۱۹۰۷)

۴- راز چهار استخر (۱۹۰۸)

۵- هیاهوی بسیار درباره پیتر (۱۹۰۹)

۶- تنها پتی (۱۹۱۱)

۷- بابالنگ دراز (۱۹۱۲)

۸- دشمن عزیز (۱۹۱۵)

سوسن اردکانی

www.ketab.ir